ابعاد حقوقی
آزمایش‌های هسته‌ای و شیمیایی فرانسه در الجزایر

مقدمه

در دهه ۱۹۶۰ دولت فرانسه در صحراهای الجزایر مجموعه‌ای از آزمایش‌های هسته‌ای انجام داد. نخستین انفجار در ۱۳ فوریه ۱۹۶۰ معروف به «ژربواز آبی» در منطقه «رقان» رخ داد و آغازگر یک سلسله آزمایش‌های اتمی تا سال ۱۹۶۶ بود که تعداد آنها حدود ۱۷ آزمایش ذکر شده است. نزدیک به دو سوم این آزمایش‌ها پس از استقلال الجزایر در سال ۱۹۶۲ و بر اساس توافق‌نامه‌های میان دولت تازه‌تأسیس الجزایر و دولت فرانسه صورت پذیرفت که اجازه می‌داد فرانسه تا پنج سال دیگر، تأسیسات و تجهیزات اتمی خود را در خاک الجزایر حفظ کند. علاوه بر اینها، چندین آزمایش فرعی نیز انجام شد که موجب آلودگی‌های گسترده محیطی و آسیب‌های جدی به روستائیان و بادیه‌نشینان الجزایری شد که برخی از آنها به‌صورت بیماری‌های بین‌نسلی بروز نموده است. این آزمایش‌ها نه‌تنها پیامدهای زیست‌محیطی گسترده‌ای بر جای گذاشت، بلکه موجب بروز تنش‌های سیاسی و دیپلماتیک میان الجزایر و فرانسه نیز شد. بسیاری از گروه‌های حقوق بشری و فعالان محیط‌زیست، از جمله سازمان‌های بین‌المللی، این اقدامات را به‌عنوان نقض حقوق بشر و بی‌توجهی به سلامت نسل‌های آینده محکوم کرده‌اند. در دهه‌های بعد، بازماندگان و قربانیان این آزمایش‌ها بارها خواستار شفاف‌سازی، عذرخواهی رسمی و پرداخت غرامت از سوی دولت فرانسه شدند. با وجود برخی اصلاحات قانونی در فرانسه برای جبران خسارت قربانیان، بسیاری معتقدند این اقدامات ناکافی بوده و هنوز هم آثار مخرب آن انفجارها در مناطقی از صحرای الجزایر قابل‌مشاهده است و این موضوع همچنان یکی از نقاط اختلاف‌زا در روابط تاریخی میان الجزایر و فرانسه باقی مانده است.

ابعاد نقض حقوق بشر از منظر حقوقی

برای بررسی این مسئله باید به اسناد و چارچوب‌های حقوقی مرتبط مراجعه نمود. مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشری که در این زمینه قابل‌استناد هستند، عبارت‌اند از: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) به‌ویژه حق حیات و حق برخورداری از راهکار جبران مؤثر؛ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) دررابطه‌با حق سلامت و بهداشت؛ کنوانسیون حقوق کودک (CRC) که دولت‌ها را به حمایت از کودکان در برابر آسیب‌های زیست‌محیطی ملزم می‌کند و حتی کنوانسیون منع شکنجه (CAT) از باب ممنوعیت رفتارهای غیرانسانی و موهن، هرچند آزمایش‌های اتمی مستقیماً ذیل تعریف شکنجه قرار نمی‌گیرند. علاوه بر این‌ها، می‌توان به قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های مجمع‌عمومی سازمان ملل متحد درباره خلع سلاح و منع آزمایش هسته‌ای اشاره کرد. در حوزه حقوق بشردوستانه و محیط‌زیست نیز اسنادی مانند کنوانسیون‌های ژنو (در بخش حمایت از غیرنظامیان) و اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ درباره محیط‌زیست انسانی قابل طرح‌اند. از منظر معاهدات خلع سلاح، پیمان منع جزئی آزمایش‌های هسته‌ای ۱۹۶۳ (فرانسه در زمان جنگ سرد به آن ملحق نشد) و پیمان منع جامع آزمایش هسته‌ای ۱۹۹۶ اهمیت دارند. هرچند این پیمان هنوز لازم‌الاجرا نشده، فرانسه آن را امضا و تصویب کرده و ملزم به خودداری از هرگونه آزمایش اتمی است. افزون بر این، پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای ۲۰۱۷ برای بحث جبران خسارت قربانیان مهم است؛ این پیمان تمامی کشورهای عضو را ملزم به کمک‌رسانی و جبران خسارت قربانیان استفاده یا آزمایش سلاح هسته‌ای می‌کند؛ گرچه که فرانسه به آن ملحق نشده است.

- **نقض حق حیات و سلامت**

حق حیات اساسی‌ترین حق بشر است که در ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده و هیچ دولتی نباید به‌صورت خودسرانه موجبات سلب حیات افراد را فراهم کند [۱]. انجام آزمایش‌های هسته‌ای در مناطق مسکونی بدون تخلیه و حفاظت کافی، مصداق بارز به‌خطر انداختن جان انسان‌ها و محروم‌کردن خودسرانه آنان از حق حیات است. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در «تفسیر عمومی شماره ۳۶» که تفسیر ماده ششم (حق حیات) میثاق حقوق مدنی و سیاسی و مصوب سال ۲۰۱۸ است، تصریح کرده که تهدید یا استفاده از سلاح‌های کشتارجمعی، از جمله سلاح هسته‌ای، ماهیتاً با حق حیات منافات دارد و دولت‌های عضو باید از هرگونه آزمایش چنین سلاح‌هایی خودداری کنند. در قضیه حاضر، شواهد پزشکی و علمی گواه آن است که بسیاری از اهالی مناطق «رقان» و «این اککر» در اثر تشعشعات ناشی از انفجارها دچار سرطان، نارسایی‌های وخیم سلامت و مرگ زودرس شده‌اند؛ همچنین عشایر طوارق، کشاورزان و روستاییان خیلی زود اثرات آن را احساس کردند و شاهد سردردهای سوزان، بیماری‌های مرموز و حیوانات و کودکانی بودند که با نقص‌عضو متولد می‌شدند [۲]. این امر را می‌توان به منزله سلب خودسرانه حیات و نقض ماده ۶ میثاق تلقی کرد.

- **نقض حقوق محیط‌زیستی و حق بر محیط سالم**

امروز در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده که انسان‌ها حق دارند در محیط‌زیستی سالم و عاری از آلودگی زندگی کنند. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۱ طی قطعنامه شماره ۴۸/۱۳ صراحتاً حق برخورداری از محیط‌زیست پاک، سالم و پایدار را به عنوان یک حق انسانی اعلام کرد [۳]. آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه موجب آلودگی گسترده خاک، آب و هوا در بخش‌هایی از صحرای الجزایر و حتی مناطق فراتر (شمال آفریقا و جنوب اروپا) شده است. بدتر آن‌که، ذرات رادیواکتیو در مرز الجزایر متوقف نشدند. به گزارش روزنامه الجزایری الوطـن، این آزمایشات بخش بزرگی از شمال آفریقا و برخی کشورهای ساحل را تحت تأثیر قرار داد. ابرهای سمی به مراکش، لیبی، نیجر، چاد، غنا، ساحل عاج، مالی رسیده و حتی از مدیترانه عبور کرده و به سواحل اسپانیا و سیسیل کشیده شدند [۴]. این مسئله، نقض آشکار حق مردم الجزایر بر یک محیط زیست سالم تلقی می‌شود؛ مطابق ماده ۲۴ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (الجزایر عضو آن است) همه ملت‌ها حق دارند از محیط زیستی رضایت‌بخش و عاری از منابع زیان‌بار برخوردار باشند [۵]. هرچند فرانسه طرف این منشور منطقه‌ای نیست، اما اصل عدم واردسازی خسارت زیست‌محیطی فرامرزی و رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در اقدامات دولتی، در دهه ۶۰ نیز در حال شکل‌گیری بود و بعدها در اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ و سپس در اعلامیه ریو ۱۹۹۲ تکرار شد. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی ۱۹۹۶ خود درباره سلاح‌های هسته‌ای تأکید کرد که دولتها در کاربرد سلاح‌ها موظف به مراعات اصول حفاظت از محیط‌زیست هستند و تخریب وسیع

محیط‌زیست با قواعد حقوق بشردوستانه و بشر تضاد دارد؛ دیوان همچنین تصریح می‌کند که محیط زیست صرفاً یک امر انتزاعی نیست بلکه نمایانگر فضای زیست، کیفیت زندگی و سلامت انسان‌ها، از جمله نسل‌های به دنیا نیامده است [۶]. بنابراین از منظر بین‌المللی، ایجاد چنین آلودگی گسترده و رهاکردن ضایعات پرتوزا در طبیعت الجزایر نقض تعهدات زیست‌محیطی و در تعارض با حقوق بشر مردم آن سرزمین است.

- **حق دسترسی به اطلاعات و جبران خسارت**

از منظر حقوق بشر، قربانیان و عموم مردم حق دارند از خطرات سلامت‌زا و وقایع تهدیدکننده جانشان مطلع شوند و به اسناد مربوطه دسترسی داشته باشند. همچنین افرادی که حقوقشان نقض شده حق دارند جبران مؤثر دریافت کنند. طبق ماده نهم «اصول و دستورالعمل‌های اساسی در مورد حق دادخواهی و جبران خسارت برای قربانیان نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشر» مصوب مجمع‌عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶، جبران خسارت باید متناسب با شدت نقض‌ها و آسیب وارده باشد [۷]. یک دولت، مطابق با قوانین داخلی و تعهدات حقوقی بین‌المللی خود، باید به قربانیان برای اعمال یا ترک فعل‌هایی که می‌توان به آن دولت نسبت داد و نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل حقوق بشر یا نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌شوند، غرامت ارائه دهد [۸]. در پرونده‌های مشابه همچون مسئله شکایت سربازان بریتانیایی در معرض آزمایش اتمی در «جزایر کریسمس»، دیوان اروپایی حقوق بشر دولت‌ها را مکلف به ارائه اطلاعات لازم به قربانیان دانسته است تا بتوانند برای احقاق حقوق‌شان اقدام کنند؛ دادگاه تأکید می‌کند که وقتی دولت‌ها فعالیت‌های خطرناک انجام می‌دهند (مانند آزمایش هسته‌ای) که می‌تواند پیامدهای پنهان و جدی برای سلامتی افراد داشته باشد، ماده ۸ دولت را متعهد می‌کند سازوکاری مؤثر و در دسترس برای دستیابی قربانیان به اطلاعات مرتبط ایجاد کند [۹]. دولت‌های عضو میثاق حقوق مدنی و سیاسی موظف‌اند مطابق با اصول مسئولیت بین‌المللی، جبران کافی برای قربانیانی فراهم کنند که حق حیات‌شان به واسطه آزمایش یا استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی نقض شده یا در معرض نقض قرار گرفته است. فرانسه آخرین گزارش خود درباره اجرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی را در سال ۲۰۱۲ به کمیته حقوق بشر ارائه داد. کمیته پس از آن از فرانسه خواست توضیح دهد که چه اقداماتی برای رفع کاستی‌ها در اجرای قانون شماره ۲۰۱۰-۲ مورخ ۵ ژانویه ۲۰۱۰ در زمینه شناسایی و جبران خسارت قربانیان آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه که در گزارش حقیقت‌یاب شماره ۸۵۶ (۲۰۱۲-۲۰۱۳) شناسایی شده بودند، صورت گرفته است؛ این گزارش در ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۳ به مجلس سنا ارائه شد و اعلام کرد که ۹۸/۷ درصد پرونده‌های ارائه‌شده به کمیته جبران خسارت قربانیان آزمایش‌های هسته‌ای رد شده‌اند [۱۰]. حقوقدانان الجزایری تلاش می‌کنند تا این آزمایش‌های هسته‌ای را به عنوان جنایت علیه بشریت به رسمیت بشناسانند؛ وکیل، فاطمه زهرا بن برهام، در گفت‌وگو با پایگاه خبری الجزایری «Jeune Indépendant» فاش کرد که چندین مانع حقوقی روند این کار را مختل می‌کند. برای نمونه، فرانسه همچنان از گشودن آرشیوهای خود امتناع می‌ورزد و داده‌های علمی آن زمان عملاً در حالت قفل‌شده باقی مانده‌اند. این مسئله در راستای حق دسترسی قربانیان به اطلاعات، نقض حقوق الجزایری‌ها محسوب می‌شود.

- **ماهیت سیستماتیک نقض حقوق بشر**

بررسی الگوی رفتاری فرانسه نشان می‌دهد این تخلفات، بخشی از یک سیاست سازمان‌یافته دولتی در خلال دوران استعمار و پس از آن بوده است. انجام ۱۷ انفجار اتمی طی ۶ سال، بدون تمهیدات حفاظتی کافی، با علم به حضور جمعیت قابل‌توجه در منطقه، این گزاره را تقویت می‌کند که آسیب وارده به غیرنظامیان و برجای‌گذاشتن میراثی تراژیک از آلودگی گسترده رادیواکتیو و صدمات شدید بهداشت و سلامت برای جمعیت‌های محلی [۱۱]، به‌صورت سیستماتیک صورت گرفته است. در ماده ۱۵ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ بیان می‌شود که نقض تعهد بین‌المللی می‌تواند از مجموعه‌ای از اعمال یا ترک فعل‌ها تشکیل شود که در مجموع یک الگوی رفتاری سیستماتیک را شکل می‌دهد [۱۲]. تردیدی نیست که طرح‌ریزی و اجرای آزمایش‌های هسته‌ای در خاک الجزایر توسط ارکان حاکمیتی و نظامی دولت فرانسه انجام گرفته و لذا قابل‌انتساب به دولت فرانسه است.

امکان طرح دعوی در مراجع بین‌المللی

برای پیگیری حقوقی این مسئله در عرصه بین‌المللی، گزینه‌ها و مراجع مختلفی مطرح هستند که هر کدام صلاحیت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های

خاص خود را دارند:

- **دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)**

دیوان اصلی‌ترین نهاد قضایی بین دولت‌هاست که می‌تواند به اختلافات بین کشورها یا سؤالات حقوقی ارجاعی رسیدگی کند. از نظر تئوری، دولت الجزایر می‌تواند علیه فرانسه به دلیل انجام آزمایش‌های هسته‌ای و تبعات آن در خاک الجزایر، نزد دیوان دعوای حقوقی طرح کند. بااین‌حال، دو مانع عمده در این مسیر وجود دارد: نخست، صلاحیت اجباری دیوان است که فرانسه اعلامیه صلاحیت اجباری خود را پس از شکایت استرالیا و نیوزلند در سال ۱۹۷۳ درباره آزمایش‌های اتمی جوی فرانسه در اقیانوس آرام جنوبی، پس گرفت و اظهار داشت که دیوان را آشکارا فاقد صلاحیت می‌داند و از حضور در جلسات عمومی یا ارائه هرگونه دادخواست خودداری کرد [۱۳] و دیگر صلاحیت عام دیوان را به رسمیت نشناخته است. بنابراین الجزایر برای طرح دعوی نیازمند پذیرش صلاحیت از سوی فرانسه یا وجود تعهد صلاحیتی از معاهده‌ای خاص است که در اینجا مفقود است. دوم، بعد زمانی است که دیوان به اعمال یا وضعیتی رسیدگی می‌کند که در زمان طرح دعوی جریان داشته یا اثرات حقوقی کنونی داشته باشد. فرانسه ممکن است استدلال کند که این موضوع مربوط به وقایع تاریخی قبل از استقلال الجزایر (تا ۱۹۶۲) یا اندکی پس از آن است و در حال حاضر دیگر اختلاف حقوقی فعالی وجود ندارد. البته الجزایر می‌تواند به «نقض مستمر» (Continuing Breach) تعهدات بین‌المللی که آثار آنها می‌تواند تا سالها ماندگار باشد، استناد کند و پاسخ دهد که آثار و عواقب نقض (آلودگی، بیماری‌ها و عدم جبران) همچنان ادامه دارد و تخلف مستمر محسوب می‌شود. اگر بر این مبنا قضیه قابل طرح باشد، الجزایر ممکن است مبنای صلاحیت را نقض تعهدات مربوط به عدم آلودگی فرامرزی یا حقوق بشر ملت الجزایر مطرح کند. همچنین قطعنامه‌های مجمع عمومی در آن بازه زمانی نیز می‌تواند به عنوان شواهدی از نقض تعهدات تحت قاعده erga omnes که اولین بار همین دیوان آن را وارد قواعد حقوق بین‌الملل نمود، مطرح شود. این قاعده بیان می‌کند که تعهداتی که اجرای آن‌ها مورد علاقه حقوقی همه دولت‌هاست و موضوع آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برای کل جامعه بین‌المللی برخوردار است، نقض آنها تنها برای دولت قربانی اهمیت ندارد، بلکه برای تمامی سایر اعضای جامعه بین‌المللی نیز محل نگرانی است؛ بنابراین، در صورت نقض این تعهدات، باید هر دولتی را محق دانست که مسئولیت دولت خاطی مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی را مطرح سازد [۱۴]. با این وجود، احتمال اینکه فرانسه رضایت دهد یا دیوان خود را صالح بداند اندک است. مسیر جایگزین در چارچوب دیوان، نظر مشورتی است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد یا اتحادیه آفریقا می‌توانند درخواستی برای نظر مشورتی از دیوان درباره عواقب حقوقی آزمایش‌های هسته‌ای استعماری فرانسه در الجزایر مطرح کنند. اگر چنین درخواستی با رأی اکثریت در مجمع عمومی تصویب شود، دیوان می‌تواند به صورت مشورتی، تعهدات و مسئولیت‌های فرانسه را تبیین کند. هرچند نظر مشورتی ضمانت اجرای مستقیم ندارد، اما می‌تواند فشار اخلاقی و سیاسی مضاعفی بر فرانسه ایجاد کرده و مبنایی برای مذاکرات جبران خسارت گردد. در قضایای مشابه همچون رأی مشورتی ۱۹۷۱ درباره نامیبیا در رابطه با حضور مستمر آفریقای جنوبی در این کشور [۱۵]، دیده شده که نظر دیوان چگونه در شکل‌دهی هنجارها مؤثر بوده است.

- **شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد**

شورای حقوق بشر (مستقر در ژنو) به‌عنوان رکن بین‌المللی مسئول ترویج حقوق بشر، می‌تواند عرصه‌ای برای طرح این مسئله باشد. یکی از ابزارهای شورا، گزارشگران ویژه است که از این ظرفیت در مورد الجزایر و فرانسه استفاده شده و گزارشگر ویژه مواد سمی و حقوق بشر، دکتر مارکوس اورلانا، در تاریخ سپتامبر ۲۰۲۴ نامه رسمی به هر دو دولت دررابطه‌با پیامدهای ماندگار آزمایش‌های هسته‌ای نوشته است؛ این نامه‌ها خواستار پاسخگویی، شفافیت و جبران خسارت برای قربانیان آزمایش‌های هسته‌ای شدند؛ همچنین گزارشگر ویژه از فرانسه خواست تا اطلاعات مربوط به آزمایش‌های هسته‌ای خود، از جمله نقشه‌های دقیق مناطق آلوده و محل دفن زباله‌های رادیواکتیو را از طبقه‌بندی خارج کند. این نامه‌ها همچنین از فرانسه خواستند تا مسئولیت تاریخی خود را بپذیرد، به قربانیان غرامت بپردازد و شفافیت کامل را در مورد جوامع آسیب‌دیده ارائه دهد [۱۶]؛ ولی گام‌های قوی‌تر می‌تواند ایجاد یک کمیسیون تحقیق بین‌المللی زیر نظر شورا باشد که موارد نقض حقوق بشر مرتبط با آزمایش‌های هسته‌ای را بررسی کرده و گزارش الزام‌آوری را ارائه دهد. تشکیل چنین کمیسیونی مستلزم رأی شورا است. باتوجه‌به نفوذ سیاسی فرانسه و عدم همراهی کامل الجزایر (به دلیل تنش‌های سیاسی اخیر)، فعلاً پیشنهادی رسمی در شورا مطرح نشده است. بااین‌حال، در صورت بهبود روابط یا فشار کشورهای همسو با خلع سلاح، شورای حقوق بشر می‌تواند قطعنامه‌ای در محکومیت

آثار باقی‌مانده از آزمایش‌های هسته‌ای استعماری و درخواست اقدامات جبرانی تصویب کند. حتی بدون تشکیل کمیسیون، شورا می‌تواند از طریق نظریه‌پردازی عمومی (General Debates) یا تصویب توصیه‌نامه، به پیگیری موضوع کمک کند. اگر موضوع پیامدهای حقوق بشری آزمایش‌های هسته‌ای (مثل مورد فرانسه در الجزایر) در دستور کار یکی از مباحث عمومی قرار گیرد، دولت‌ها و نهادهای حقوق بشری می‌توانند آن را مطرح کنند، توجه بین‌المللی جلب شود و به‌تدریج زمینه اقدامات بعدی (مثل قطعنامه یا مأموریت حقیقت‌یاب) فراهم شود. شورای حقوق بشر اختیار الزام مستقیم ندارد، ولی می‌تواند فرانسه را در افکار عمومی جهان تحت‌فشار قرار داده و هزینه عدم اقدام را افزایش دهد. برای مثال، عدم پاسخ فرانسه به نامه گزارشگر ویژه تاکنون مورد انتقاد علنی قرار گرفته است. در مجموع، شورای حقوق بشر بستری برای پیشبرد دعوی به شکل سیاسی-حقوقی است.

- **کمیته‌ها و سازوکارهای معاهداتی حقوق بشر**

به‌طورکلی، چندین کمیته متخصص سازمان ملل متحد بر اجرای معاهدات حقوق بشری نظارت دارند که می‌توانند به جنبه‌های مختلف این ماجرا رسیدگی کنند. مهم‌ترین آنها کمیته حقوق بشر است. فرانسه عضو پروتکل اختیاری میثاق آن (اجازه شکایت فردی) است، با این نکته که کمیته نمی‌تواند پرونده‌ای را که قبلاً در دیگر مراجع بررسی شده، بپذیرد؛ همچنین فرانسه ماده ۱ پروتکل را به‌گونه‌ای تفسیر می‌کند که به کمیته صلاحیت می‌دهد تا ارتباطات افراد تابع صلاحیت جمهوری فرانسه را که مدعی هستند قربانی نقض هر یک از حقوق مندرج در میثاق توسط جمهوری شده‌اند، دریافت و بررسی کند [۱۷].

امکان طرح شکایت فردی توسط قربانیان الجزایری علیه فرانسه در این کمیته از حیث نظری وجود دارد، ولی چالش‌هایی دارد: نخست اینکه شاکیان باید ثابت کنند در زمان وقوع یا تداوم نقض، در قلمرو و صلاحیت فرانسه قرار داشته‌اند. فرانسه احتمالاً استدلال می‌کند پس از استقلال، افراد تحت صلاحیت الجزایر بوده‌اند نه فرانسه. بااین‌حال، می‌توان از تئوری نقض مستمر استفاده کرد؛ یعنی ادعا شود خودداری فرانسه از پاک‌سازی و جبران، تا امروز نقض حقوق قربانیان را استمرار بخشیده است. دوم، شاکیان باید همه راه‌های جبران داخلی را طی کرده باشند. فرانسه این مسئله را بیان خواهد کرد که قانون غرامت ۲۰۱۰ و کمیته مربوطه (CIVEN) راه جبران ملی بوده که برخی استفاده نکرده یا ناکام مانده‌اند. اگر کمیته حقوق بشر متقاعد شود که این راهکار ناکارآمد یا بی‌ثمر بوده (باتوجه‌به نرخ پذیرش یک‌درصدی در سال‌های اولیه)، ممکن است شرط عدم لزوم طی تشریفات را بپذیرد. در صورت موفقیت شکایت، نظر کمیته حقوق بشر می‌تواند نقض مواد میثاق (مثلاً ماده ۶ و ماده ۲(۳)) را احراز کرده و فرانسه را به اقدامات جبرانی و تضمینی توصیه کند. هرچند این نظرات از نظر حقوقی الزام‌آور نیستند، اما وجهه اخلاقی و سیاسی قوی دارند و فرانسه معمولاً نسبت به آنها بی‌اعتنا نیست.

- **دیوان اروپایی حقوق بشر**

فرانسه از سال ۱۹۷۴ عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و از ۱۹۸۱ پذیرای صلاحیت دیوان اروپایی است. به طور اصولی، دیوان می‌توانست به شکایت اشخاص علیه فرانسه رسیدگی کند. اما در این پرونده خاص چند مانع جدی هست: نخست، عدم صلاحیت زمانی است که اقدامات موردبحث قبل از پذیرش حق دادخواست فردی توسط فرانسه رخ داده و دیوان خود را صالح به بررسی موارد قبل از ۱۹۸۱ نمی‌داند. دوم، صلاحیت مکانی که طبق رویه دیوان، کنوانسیون در مناطقی که تحت اختیار یا کنترل مؤثر یک دولت عضو بوده اعمال می‌شود. الجزایر در ۱۹۶۰ رسماً بخشی از فرانسه (استان‌های فرادریایی) بود، لذا شاید بتوان استدلال کرد اشخاص تحت صلاحیت فرانسه بوده‌اند. اما پس از استقلال (ژوئیه ۱۹۶۲ و پس از همه‌پرسی که ۶ میلیون نفر به جدایی رأی دادند) [۱۸]، دیگر خاک فرانسه محسوب نمی‌شد. انفجارهای ۱۹۶۵-۱۹۶۶ خارج از قلمرو کنوانسیون بوده‌اند. حتی در مورد ۶۲-۱۹۶۰ هم فرانسه می‌تواند استدلال کند پذیرش کنوانسیون با تأخیر زمانی همراه بوده و دیوان نمی‌تواند به گذشته نظر کند. به‌علاوه، قربانیان باید ابتدا در محاکم داخلی فرانسه شکایت کرده باشند که تاکنون گزارشی از طرح دعوای موفق در دادگاه‌های فرانسه (مثلاً دادگاه اداری پاریس) توسط قربانیان الجزایری به دست نیامده است. براین‌اساس، دیوان اروپایی عملاً مسیر ممکنی برای احقاق حق این قربانیان نیست. بااین‌حال، رویه قضایی این دیوان می‌تواند به طور تطبیقی مورد استناد محافل دیگر قرار گیرد.

- **دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)**

به‌طورکلی این دیوان، صلاحیت رسیدگی به این وقایع تاریخی را ندارد، چرا که اساس‌نامه رم نه به‌صورت عطف‌به‌ماسبق اعمال می‌شود و نه فرانسه جرایم مستمری مرتکب شده که تا پس از ۲۰۰۲ ادامه یافته باشد. علاوه‌برآن، فرانسه هرچند عضو ICC است، اما نوع جرایم مطرح (استفاده از سلاح اتمی در غیر وضعیت جنگی) در حال حاضر صریحاً در اساس‌نامه نیامده است. تنها جنایت بالقوه، جنایت علیه بشریت می‌توانست باشد که آن هم نیازمند عنصر حمله گسترده علیه جمعیت غیرنظامی در چارچوب یک سیاست است. شاید بتوان استدلال کرد سیاست استعماری فرانسه نوعی حمله نظام‌مند علیه مردم الجزایر بوده، ولی این تعبیر در حقوق بین‌الملل مرسوم نمی‌باشد؛ بنابراین اقدام گروه‌های حقوق بشری برای ارائه پرونده به ICC بیشتر جنبهٔ نمادین و افشاگرانه دارد. البته در عرصه بین‌المللی حرکت‌هایی در جریان است تا اکوساید (جنایت تخریب محیط‌زیست) به‌عنوان جنایت بین‌المللی شناخته شود. در صورت تحقق چنین تغییری در آینده، نابودی عامدانه محیط و به خطر انداختن جمعیت‌ها از طریق آلودگی رادیواکتیو می‌تواند مشمول تعقیب کیفری قرار گیرد. اما فعلاً این مسیر در مرحله تدوین و ابتکارات است و قطعاً اثر معطوف به گذشته نخواهد داشت.

توصیه‌ها

- **پذیرش مسئولیت و اقدام داوطلبانه توسط فرانسه**

پیشنهاد می‌شود دولت فرانسه پیشگامی نموده و رسماً مسئولیت تاریخی و حقوقی خود را در قبال آزمایش‌های هسته‌ای الجزایر بپذیرد. این پذیرش می‌تواند در قالب یک بیانیه رسمی دولت یا تصویب قطعنامه‌ای در مجلس ملی فرانسه باشد که ضمن اذعان به خطاهای گذشته، عذرخواهی رسمی از قربانیان و ملت الجزایر به عمل آید. در پی آن، فرانسه باید اسناد و اطلاعات طبقه‌بندی شده را کاملاً افشا کرده و بدون پیش‌شرط در اختیار طرف الجزایری و نهادهای بین‌المللی ذی‌ربط قرار دهد؛ این شامل نقشه‌های محل دفن ضایعات، داده‌های علمی اندازه‌گیری پرتوتابی، گزارش‌های پزشکی و هر مدرک مرتبط است.

- **پیگیری حقوقی از سوی الجزایر در سطوح بین‌المللی**

دولت الجزایر باید از رویکرد صرفاً سیاسی فراتر رفته و ابتکارهای حقوقی مشخصی را آغاز کند. نخست، توصیه می‌شود الجزایر با همکاری کشورهای دیگر، پیش‌نویس قطعنامه‌ای در مجمع‌عمومی سازمان ملل متحد ارائه دهد که در آن ضمن محکومیت آثار باقی‌مانده آزمایش‌های استعماری، از فرانسه خواسته می‌شود با دولت الجزایر برای پاک‌سازی و جبران خسارت همکاری کامل کند و از دبیرکل خواسته شود گزارشی در این زمینه ارائه دهد. چنین قطعنامه‌ای (حتی اگر الزام‌آور نباشد) وزن اخلاقی و سیاسی زیادی دارد و می‌تواند زمینه‌ساز مراحل بعدی باشد. گام بعد، همان‌گونه که بحث شد، درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری از سوی مجمع‌عمومی یا شورای حقوق بشر است. الجزایر می‌تواند در همراهی با سایر کشورها این موضوع را پیگیری کند. علاوه بر این، الجزایر باید در شورای حقوق بشر فعال‌تر بوده و مثلاً طی یک جلسه شورا وضعیت قربانیان آزمایش‌های هسته‌ای را مطرح و پیشنهاد ایجاد یک مکانیسم نظارتی (گزارشگر ویژه یا کمیسیون حقیقت‌یاب) را طرح کند. هرچند تصویب آن دشوار می‌باشد، اما همین طرح موضوع، فرانسه را در جهت پذیرش مسئولیت تاریخی خود، ترغیب خواهد کرد. همچنین تهیه یک پرونده مستند با همکاری وکلای بین‌المللی می‌تواند شانس موفقیت را افزایش دهد. تمامی این تلاش‌ها باید با رویکردی غیرسیاسی و انسانی انجام شود؛ بدین معنا که الجزایر می‌بایست نشان دهد دغدغه اصلی‌اش احقاق حق قربانیان و پاک‌سازی کشورش است، نه امتیازگیری سیاسی. چنین رویکردی حمایت جهانی بیشتری کسب خواهد کرد و حتی در داخل فرانسه نیز با همراهی افکار عمومی مواجه خواهد شد.

- **تشکیل کمیسیون مشترک همکاری و سازش**

پیشنهاد می‌شود به‌موازات پیگیری‌های قضایی و دیپلماتیک، دو دولت گام‌هایی در جهت تعامل مستقیم بردارند. یکی از پیشنهادهای مشخص جامعه مدنی (مطرح‌شده در بیانیه مشترک ۳۰ سازمان در فوریه ۲۰۲۵) ایجاد «کمیسیون مشترک الجزایری-فرانسوی» برای پیگیری پیامدهای آزمایش‌های هسته‌ای است. این کمیسیون می‌تواند زیر نظر مستقیم بالاترین مقامات دو کشور تشکیل شود و در آن علاوه بر نمایندگان

دولت‌ها، کارشناسان مستقل، پزشکان و نمایندگان انجمن‌های قربانیان حضور داشته باشند. اهداف چنین کمیسیونی عبارت خواهد بود از: ارزیابی جامع علمی-پزشکی مناطق آلوده و افراد آسیب‌دیده، تدوین برنامه عملی پاک‌سازی و بهسازی محیط‌زیست، پایش سلامت ساکنان و بازماندگان از طریق ایجاد یک پایگاه داده پزشکی مشترک و برنامه غربالگری بیماری‌ها (سرطان‌ها، بیماری‌های خونی و...) در مناطق در معرض و نهایتاً ارائه پیشنهادهای جبرانی به دولت فرانسه درباره هر قربانی یا گروه از قربانیان.

- **بهره‌گیری از نهادهای تخصصی و علمی بین‌المللی**

توصیه پایانی آن است که برای پشتوانه‌سازی فنی و بی‌طرفانه، از سازمان‌های تخصصی جهانی بهره‌گیری شود. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) می‌تواند در قالب برنامه همکاری فنی خود، به الجزایر برای پایش مواد رادیواکتیو باقیمانده و تکنیک‌های پاک‌سازی مشاوره دهد. همچنین سازمان جهانی بهداشت (WHO) می‌تواند یک مطالعه اپیدمیولوژیک درباره اثرات بهداشتی این آزمایش‌ها انجام دهد تا میزان همبستگی میان انفجارها و بیماری‌ها روشن‌تر شود. نتایج این مطالعات علمی، ابزار حقوقی نیرومندی در دست مذاکره‌کنندگان و محاکم خواهد بود و هرگونه تردید را برطرف می‌کند. بهره‌گیری از ظرفیت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و هلال‌احمر نیز می‌تواند مفید باشد؛ چرا که صلیب سرخ از دیرباز در حوزه عواقب تسلیحات هسته‌ای فعال بوده و می‌تواند به‌عنوان ناظر بی‌طرف در روندهای حقیقت‌یابی یا تأیید پاک سازی حضور یابد.

جمع‌بندی

تحلیل حقوقی و تاریخی پرونده آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه در الجزایر نشان می‌دهد که این موضوع صرفاً یک مناقشه دوجانبه تاریخی نیست، بلکه بازتابی از بحران عمیق عدالت انتقالی در نظام بین‌الملل است. این آزمایش‌ها که در خلأ نظارت و با آگاهی از آثار مخربشان انجام شدند، نمونه‌ای از تداوم رفتار استعماری در پوشش فعالیت علمی و نظامی‌اند؛ رفتاری که هم‌زمان اصول بنیادین حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق محیط‌زیست را نقض کرده است. در این میان، فرانسه با اتکا بر نوعی مصونیت سیاسی و سکوت حقوقی دهه‌های گذشته، از پذیرش کامل مسئولیت و جبران مؤثر طفره رفته است. اما در پرتو تحولات معاصر، از جمله شناسایی حق بر محیط‌زیست سالم به‌عنوان حق بشر و تقویت دکترین مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض‌های تاریخی، امکان بازتعریف این پرونده در چارچوب تعهدات عام الشمول فراهم شده است. آثار مستمر آلودگی رادیواکتیو و استمرار رنج قربانیان، از منظر حقوقی مصداق نقض مستمر است و بنابراین زمان نمی‌تواند مانعی برای پاسخگویی باشد.

از این منظر، مسئله دیگر محدود به مطالبه غرامت نیست؛ بلکه پرسش از اعتبار اخلاقی و حقوقی دولتی است که خود را متعهد به ارزش‌های حقوق بشر می‌داند، اما در برابر میراث استعماری و رنج انسانی ناشی از آن، به سکوت و تأخیر پناه برده است. بی‌اعتنایی به حقیقت و آرشیو بسته، نقض مضاعف حق دانستن و عدالت قربانیان است. احیای این پرونده در نهادهای بین‌المللی، هرچند با موانع صلاحیتی مواجه است، می‌تواند ابزار فشار اخلاقی و سیاسی برای بازگشایی آرشیوها، شفاف‌سازی علمی و طراحی سازوکارهای جبرانی مشترک میان الجزایر و فرانسه باشد. بهره‌گیری از ظرفیت‌های شورای حقوق بشر، نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری و سازوکارهای معاهداتی، نه به‌عنوان ابزار تنبیه، بلکه به‌عنوان فرایند ترمیم تاریخی و نهادینه‌سازی حق بر حقیقت معنا می‌یابد. در نهایت باید اشاره داشت که پرونده آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه در الجزایر آزمونی برای وجدان جمعی جامعه بین‌المللی است؛ آزمونی که نشان خواهد داد آیا عدالت تاریخی و کرامت انسان در برابر منافع سیاسی توان ایستادگی دارد یا خیر. بی‌تردید مسئولیت فرانسه در این زمینه، صرفاً حقوقی نیست؛ بلکه آزمونی اخلاقی برای اعتبار گفتمان جهانی حقوق بشر است.

منابع

1. UN General Assembly. (1966, December 16). International Covenant on Civil and Political Rights. The UN Refugee Agency. From: https://www.refworld.org/legal/agreements/unga/1966/en/17703
2. El Atti, B. (2025, February 20). 65 years after France turned their land into a nuclear test site, Algerians seek justice. The New Arab. From: https://www.newarab.com/news/algerians-seek-overdue-justice-colonial-french-nuclear-tests

3. The UN Human Rights Council. (2021, October 18). The human right to a clean, healthy and sustainable environment. The UN Human Rights Council. From: https://docs.un.org/en/A/HRC/RES/48/13
4. Courrier international. (2025, February 18). Diplomacy. Nuclear tests in the Sahara: a poison for the populations… and for Algerian-French relations. Courrier international. From: https://www.courrierinternational.com/article/diplomatie-es-
5. sais-nucleaires-au-sahara-un-poison-pour-les-populations-et-les-relations-alger-paris_227854
The African Union. (1981, June 1). African Charter on Human and Peoples' Rights. The African Union. From: https://au.in-t/en/treaties/african-charter-human-and-peoples-rights
6. ICJ. (1996, July 8). Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons. ICJ. From: https://www.icj-cij.org/sites/default/files/-case-related/95/095-19960708-ADV-01-00-EN.pdf
7. UN General Assembly. (2006, March 21). Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law. UN General Assembly. From: https://docs.un.org/en/A/Res/60/147
8. OHCHR. (2005, December 16). Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law. OHCHR. From: https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/basic-principles-and-guidelines-right-remedy-and-reparation
9. Europian Court of Human Rights. (1998, June 9). Case of McGinley and Egan v. the United Kingdom. Europian Court of Human Rights. From: https://hudoc.echr.coe.int/eng#{%22itemid%22:[%22001-58175%22]}
10. Lawyers Committee on Nuclear Policy. (2021, May 5). France, Nuclear Weapons Policy, and the Right to Life. United Nations Human Rights Committee. From: https://ccprcentre.org/files/documents/INT_CCPR_ICS_FRA_44849_E.pdf
11. Reaching Critical Will. (2025, February 13). Joint Statement by 30 Organisations on the 65th Anniversary of the First French Nuclear Explosion in Algeria: A Global Call for Accountability and Justice. Reaching Critical Will. From: https://www.reaching-criticalwill.org/news/latest-news/17307-joint-statement-by-30-organisations-on-the-65th-anniversary-of-the-first-french-nuclear-explosion-in-algeria-a-global-call-for-accountability-and-justice
12. UN International Law Commission. (2001). Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts. UN International Law Commission. From: https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/draft_articles/9_6_2001.pdf
13. ICJ. (1973, May 9). Nuclear Tests (New Zealand v. France). ICJ. From: https://www.icj-cij.org/case/59
14. Oxford University Press. (n.d). erga omnes obligations. Oxford University Press. From: https://www.oxfordreference.com/display/10.1093/oi/authority.20110803095756413
15. ICJ. (1970, August 5). Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276. ICJ. From: https://www.icj-cij.org/case/53
16. Aouine, R. (2025, January 6). Unveiling a hidden tragedy: the devastating legacy of French nuclear testing in Algeria. War Resisters' International. From: https://wri-irg.org/en/story/2025/unveiling-hidden-tragedy-devastating-legacy-french-nuclear-testing-algeria
17. United Nations Treaty Collection. (1966, December 16). Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights. United Nations Treaty Collection. From: https://treaties.un.org/pages/viewdetails.aspx?src=treaty&mtdsg_no=iv-5&chapter=4&clang=_en
18. Chanderli, A. & Brown, C. (2025, October 12). The Algerian War of Independence in Algeria in History. Britanica. From: https://www.britannica.com/place/Algeria/The-Algerian-War-of-Independence